



تصویر کشیدن حضرت عباس سوز و گداز عزاداری را کم می کند

حضرت آیت الله وحید خراسانی در سخنانی به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم، مبلغان را به استفاده از این فرصت برای تبلیغ دین و پاسخگویی به شبهات فرا خواند.

حضرت آیت الله وحید خراسانی در سخنانی به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم، مبلغان را به استفاده از این فرصت برای تبلیغ دین و پاسخگویی به شبهات فرا خواند.

به گزارش خبرگزاری رسا حضرت آیت الله وحید خراسانی در سخنانی به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم، مبلغان را به استفاده از این فرصت برای تبلیغ دین و پاسخگویی به شبهات فرا خواند.

این مرجع تقلید گفت: کیست احسن قولا از کسی که دعوت کند به خدا و آن دعوت توأم باشد با عمل صالح، کسانی که در این ایام به تبلیغ این دین و این مذهب می روند، اینها باید بدانند کاری که متکفل اند کار انبیاء است، (الذین یبلغون رسالات ربهم) این کار فوق بیان و تکلم ماست، آنچه مهم است در این زمان حفظ ایتم آل عصمت است، مردمی منقطع از امام زمانشان با این ابتلائات زندگی، با حرمان از مبانی مذهب و دین، به قدری این کار ارزش دارد که اگر در این سفر بتوانید یک بیگانه از امام زمان را با ولی عصر آشنا کنید یک تارک الصلاة به نماز بیارید، اجرتان به اندازه ای است که قابل وصف نیست، چون رسول خدا به شخص امیرالمؤمنین فرمود: اگر کسی به وسیله تو یک نفر را هدایت کند (خیر لک مما طلعت علیه الشمس) از آن روزی که این منظومه شمس به وجود آمده تا آن روزی که (اذا الشمس کورت و اذا النجوم انکدرت) تا آن روز آنچه آفتاب بر او تابیده ارزش این کار را ندارد.

وی افزود: منتها باید آنچنان تبلیغ دین کرد که صاحب دین خواسته (الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمة طيبة کشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها حین باذن ربها) شجره طيبة دین یک ریشه دارد این درخت تنه ای دارد شاخه هائی دارد برگهائی دارد میوه ای دارد، کسانی که به تبلیغ می روند باید متوجه بشوند وظیفه آنها چیه؟ ریشه درخت دین عقائد حقه است، معارف اهل بیت است، این اصل و ریشه این شجره طيبة است، تنه این درخت اخلاق فاضله است، ملکات حمیده نفسانیه، شاخه های این درخت اعمال صالحه است، اگر عقیده، عقیده حقه شد ملکات نفسانی، اخلاق فاضله شد، رفتار، اعمال صالحه شد، ثمره این شجره سعادت ابدی است، یعنی قابل حد و اندازه نیست، حیات ابد زندگی که آخر ندارد.

استاد دروس خارج حوزه علمیه با تبیین وظیفه مبلغان در این ایام اظهار داشت: وظیفه مبلغین در آن مناطق و هرجا، یکی دفع شبهات است، همانطوری که بدن مبتلا به انواع میکروب می شود، روح هم مبتلا به انواع شبهات می شود، شبهات مخالفین دین، آن هم با کمک شیطان در مغز این طبقه که از دین اطلاع ندارد قهراً تولید مرض روحی می کند، وظیفه شما دفع این شبهات است، هر کس آلوده شده روحش به شبهه ای از مذهب باطلی، مثل طبیب حاذقی تمام قدرت را صرف کنید آن درد را درمان کنید، بعد تقویت کنید عقول این مردم را به این مذهبی که دنیا را به زانو درآورده، قدرت منطقی و قوت استدلالش تمام مسیحیت را بیچاره کرده، یهود، نصاری، منکرین خدا، اهل مذاهب باطله در مقابل قدرت برهان این دین بیچاره اند، منتها باید شما قدرت علمی پیدا کنید، اگر آن قدرت پیدا شد می شود حسن بن یوسف بن مطهر، علامه حلی، سلطان وقت علماء چهار مذهب را جمع کرد، ارکان حنفیه، مالکیه، شافعیه، حنبلیه، یک مرد پیدا شد با قدرت علمی در آن مجلس نشست و برخاست سر چهار مذهب را به سنگ کوبید، پرچم تشیع را در این مملکت برافراشت، صبح تمام مملکت رسماً سنی بود، ظهر ورق برگشت خطبه های نماز جمعه در سرتاسر مملکت عوض شد، این قدرت یک پهلوان در دین است، بنیه علمی را قوی کنید، علم مرد می کند روح را، حالت فاعلیت دارد، جهل حالت انفعال می آورد، این وظیفه اول.

وی بیان کرد: وظیفه دوم، با این برنامه تحکیم عقائد، تعلیم احکام، تهذیب اخلاق، آنچه همه را به ثمر می رساند، عاشورای حسین بن علی است، مردم را بیدار کنید، چه خبر است؟ عاشورا چیست؟ بفهمانید به مردم، چه قیامتی است؟ یک کلمه ما می گویم اما کجا در حد فهمیدیم؟ که بود؟ چه کرد؟ کاری که او کرد چه کاری بود؟ خود او که بود؟ این دریائی است که مثل شیخ انصاری غرق می

شود، مثل محقق و علامه، مات و مبهوت می مانند، کجا ما فهمیدیم عاشورا چیست؟ کسی مگر قدرت دارد، اصحاب او را بشناسد تا برسد به خودش، این بیان کیه؟ بیان، بیان رأس و رئیس مذهب است، امام ششم آن کسی که از مبدأ تا معاد، از طهارت تا دیات، هر چه هست به برکت نفس اوست، آن کسی که جوهر صد و بیست و چهار هزار پیغمبر را به صورت مذهب جعفری به دنیا عرضه کرده، او بیان این است، کسانی که اهل فن اند می فهمند شهادت چه اندازه دشوار است، شاهد کی می تواند شهادت بدهد، آن وقتی که مشهود به مثل آفتاب واضح و روشن باشد.

این مرجع تقلید با انتقاد از برخی شبهات در مورد عزاداری عاشورا گفت: بیان امام ششم این است سماوات هفتگانه و همه زمینها و هرچه در آنها هست، و هر چه بین آنها هست، برای عزای حسین بن علی گریه کردند، حالا یک عده بی سواد پیدا شوند، می گویند این عزاداری ها افراط است، این غلظتها نتیجه جهل است، کیست که بفهمد عاشورا چه روزی است؟ کیست که بداند چه سری بالای نیزه رفت؟ کیست که بفهمد چه دستی کنار نهر علقمه از بدن جدا شد؟ به مردم بفهمانید این مطالب را، رفاعه بن موسی النخاس، موثق است، به توثیق شیخ نجاشی، ابن شهر آشوب، علامه، همچو مردی آمد خدمت امام ششم، او با هر کسی این حرفها را به میان نمی گذارد، همچو مردی باید باشد، فرمود: رفاعه امسال به حج نرفتی؟ گفت: جعلت فداک مال من امسال وفا به حج نکرد، ولی عرفه رفتم کنار قبر حسین بن علی، بعد که این کلمه را گفتم، سکت طویلا، این دقائق را خوب درک کنید، مدتی سکوت کرد، حالا در این سکوت چه خبر بود؟ ما و همه فقها و علما عاجزتر از این اند که بفهمند آن سکوت چه اسراری داشت؟ حجتی که عظمتش این قدر است، یک نفر به حج نرسید، به رسول خدا عرض کرد چه بکنم که جای حج را پر کند؟ پیغمبر اشاره کرد به کوه ابی قبیس فرمود: اگر این کوه را طلا کنی و در راه خدا انفاق کنی جای حج را نخواهد گرفت، حج خانه خدا این است، بعد آنی که عقل را مبهوت می کند این بیان است، بعد از مدتی سکوت سر بلند کرد، فرمود: ای رفاعه لا تترك زیارة الحسين ابدًا، لولا، اگر این نبود که من کراهت داشتم، که مردم دست از حج بردارند، آن وقت می گفتم در زیارت قبر او چه خبر است؟ خلاصه این را من می گویم شماها بروید مدتها فکر کنید، بعد فرمود: ای رفاعه من زار الحسين عارفاً بحقه کسی که زیارت کند او را و بشناسد که او کیست؟ بشناسد کیست، کسی است که خدا پیغمبر خاتم را فرستاد به زمین، عقل کل را فرستاد به زمین برای اینکه خون اصحاب او را پیغمبر در شیشه کند، و به عرش ببرد، اگر حسین را بشناسی من زار الحسين عارفاً بحقه این بیان امام ششم است، خدا به او چه می دهد؟ از وقتی حرکت می کند هزار ملک در یمین او، هزار ملک در یسار او، اینها را باید درک کنید از نظر دلیل علمی، کشف کنید که اثر وقتی این است مؤثر کی بوده؟ که همچو اثری گذاشته، از میوه درخت را باید شناخت، از گوهر معدن را باید شناخت، از زیارت قبر او نزد خدا باید فهمید چه مقامی دارد و چه کرده؟ که زیارت قبر او این شده، آن چیست؟

وی هیئات عزاداری را به دوری از گناه و مراقبت دعوت کرد و گفت: هیئت های حسینی بیدار بشوند، اولاً مواظب باشند مبدا عزاداری ها آلوده به گناهی بشود، آنچه مهم است این است که این اکسیر احمر باطل نشود، انما یتقبل الله من المتقین، عزاداران حسینی باید منزه از حرام بوده، اتیان واجبات نمایند، ترک محرّمات، و انجام واجبات، هیئات باید مظاهر تقوی باشند، علم هائی که افراشته می شود زیر آن علمها مبدا یک نظر نابجائی، یک کلمه ناروایی، یک عمل فاسدی انجام بشود، چون این هیئتها مورد نظر شخص خاتم انبیاء است، از حرام اجتناب کنید، واجبات را به جا بیاورید، در عزای او هرچه بکنید در حد خودتان است، نه در حد او، فجع به الرسول و از عجت البتول و طاشت العقول، اصلاً مبهوتم چه بگویم؟ رسول در عزای او فاجعه زده شد، بتول یعنی فاطمه زهرا وضعش به جائی رسید که هر روز برای او شیون می زند، و صیحه زهرا تمام ملائکه را بیچاره کرده، و طاشت العقول، عقلها پریشان شد، این چه مقامی است؟ از خود او نمی شود دم زد، خدا باید ذکر او را بکند، سوره والفجر بیان خدا برای سر بریده سیدالشهداء است، (یا ایته النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة) حجت خدا فرمود این سوره در شأن جد من است، ما از آن بگذریم.

حضرت آیت الله وحید خراسانی با ذکر حدیثی از امام صادق (ع) به تجلیل از مقام حضرت ابوالفضل العباس پرداخت و ادامه داد: اصلاً شهادت قمر بنی هاشم گفتنی نیست، فکر کنید، دست بریده، چه کرده؟ دست راست که افتاده بود آن وقت گفت: (والله ان قطعتموا یمینی، انی احمای ابدًا عن دینی، و عن امام صادق یقین) همچو کسی بود، بعد که دست چپ افتاد، آن وقت گفت: (قد قطعوا ببغیهم یساری) شهادت اینجور شهادتی بود، آن وقت آنچه که عقل همه حکما و فهم همه فقها را مبهوت می کند این جمله است، فرمود: برای عمویم عند الله، عند الله یعنی چه؟ فوق بهشت است، فوق خلد برین است، ان لعمی العباس عند الله چیه؟ منزلتی است مقامی دارد عند الله که غبطه می خورند به آن مقام جمیع الشهداء، واقعاً بهت آور است، از اول خلقت حساب کنید، از زمان آدم که هابیل شهید شد، تا روز احد که حمزه سیدالشهداء به شهادت رسید، تا شهداء بدر، احد، ختم کجاست آن روزی که امام زمان ظهور کند، شهدا در رکاب او همه در کلمه جمیع الشهداء مندرج است، حالا مقام چه مقامی است؟ که همه اینها به آن مقام غبطه می خورند، این مقام علمدار اوست، حالا خود او کجاست؟

وی با اشاره به برخی اخبار از به تصویر کشیدن حضرت عباس (ع) در یک مجموعه تلویزیونی انتقاد کرد و اظهار داشت: وقتی قمر بنی هاشم را به آن صورت نشان دادند، دیگر این سوز و گداز در روضه ها نخواهد بود، آن کسانی که آن صحنه را ببینید آن هنرپیشه را تماشا کنند، اینها دیگر آنچنان که باید در عزای او نمی سوزند.